کلیپ امام
۴
جایزه بیانی شعر

شهید بهشتی و تشکیلات

شاخصه‌های تشکل اسلامی از منظر شهید آیت‌الله بهشتی رحمه‌الله

گفتاری از آقای اسدالله بادامچیان



صحیفه ۲۷
جبهه ۴، بهار ۱۳۹۷

شهید بهشتی و تشکیلات، شاخصه‌های تشکّل اسلامی از منظر آیت‌الله بهشتی رحمه‌الله
گفتاری از آقای اسدالله بادامچیان

به کوشش: جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: سید محمد دانا
صفحه آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم، صندوق پستی: ۱۵۱۳ ـ ۳۷۱۹۵
رایانامه: info@۱۵۴۲.org
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم



منشور پیش رو، گفتاری است از آقای اسدالله بادامچیان در سال ۶۱ به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله بهشتی رحمه‌الله که در شهر فومن ارائه گردیده است. وی در این جزوه با بررسی اجمالی احزاب کشورهای غربی و شرقی و بیان معایب آن‌ها، در نهایت ویژگی‌های یک «تشکّل اسلامی» را از زبان شهید بهشتی بیان کرده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«مِنَ المُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیهِ فَمِنهُم مَن قَضیٰ نَحبَهُ وَمِنهُم مَن یَنتَظِرُ وَما بَدَّلوا تَبدیلًا»[1]

با درود بر امام امت و سلام بر همه شهیدان تاریخ به‌ویژه ۷۲ شهید حادثه تروریستی هفتم تیر انقلاب اسلامی.

سخن گفتن از هم‌سنگران عزیز و یادآوری آن شب پرحادثه و غمبار، برای امثال من بسیار مشکل است. سال‌های سال در کنار بهشتی‌ها، اسلامی‌ها، درخشان‌ها و سایر ۷۲ تن بودم؛ اما منافقین کوردل در یک شب، داغ همه آن‌ها را بر دل ما گذاشتند؛ مطلب مهمتر، آن رسالتی بود که پس از آن حادثه‌ی عظیم از سوی شهیدان حادثه هفتم تیر برعهده همسنگران گذاشته شد؛ علاوه بر تحمل آن داغ جانکاه، باید جای آنها را پر می‌کردیم و تفنگ آنها را بدوش می‌گرفتیم و با دشمنان می‌جنگیدیم. بنابراین به یاد آن شهیدان و با مدد گرفتن از انفاس قدسیه آنان، بحثی با عنوان «شهید بهشتی و تشکیلات» را تقدیم شما برادران و

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳.

خواهران می‌کنم؛ چراکه معتقدم مظلوم‌تر از شـــهید بهشـــتی، مفهوم حزب در جامعه ماست. هنگامی که بحث از حزب به میان آید، در ذهن بسیاری، احزاب غربی یا شرقی ترسیم می‌شود. به‌ویژه در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی هنگامی که بحث از حزب می‌شد بسیاری از افراد خیال می‌کردند حزب یک واژهٔ غربی است و از غرب آمده است درست است که استقبال خوبی از حزب جمهوری اســـلامی شد؛ ولی به‌راستی مفهومی که شهید بهشتی و یاران او در حزب جمهوری اسلامی از حزب در نظر داشتند، برای بسیاری از همین توده‌های مشتاق، روشن و آشکار نبود. تجربه ملت ایران از حزب و تحزب به‌ویژه از تاریخ مشروطیت، تداعی‌کنندهٔ مجموعه و تشکلی از نوع مجموعه‌ها و تشکل‌های غربی، یا ترسیم و تصویری از احزاب کمونیست با خاطره‌های تلخ است؛ غافل از آنکه، در قرآن کریم حدود ۲۲جا کلمه حزب و احزاب آمده است؛ همچنین یکی از سوره‌های قرآن به نام احزاب است و یکی از تقسیم‌بندی‌های قرآن نیز حزب است. تأکیدی که در قرآن کریم بر حزب‌الله و حرکت‌های تشکیلاتی و منسجم می‌شود، ما را به این رهنمون می‌کند که قرآن بر تحزّب و تشـــکّل به‌ویژه مسئله حزب‌الله و حزب‌الشیطان تأکید بسیار دارد؛ آنجاکه خداوند می‌فرماید: «... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ»[1] یعنی فلاح و غلبه برای حزب‌الله است؛ در مقابل، آیاتی نیز حزب‌الشیطان را معرفی می‌کند.

چیزی که انسان می‌تواند از این آیات برداشت کند این است که تنها با یک تشکل حزب‌اللهی، می‌توان در مقابل حزب شیطان ایستاد. اینکه در قرآن حرکت ناس را مطرح نمی‌کند و از امت پیرو به «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ...»[2] نام می‌برد؛ یا در اکثر موارد از گروه و حرکت‌های اجتماعی نام می‌برد، قابل تأمل و تعمق اســـت. از همین جاست که انسان درمی‌یابد، علاوه بر

۱. سوره مائده، آیه ۵۶.
۲. سوره آل‌عمران، آیه ۱۱۰.

تمام ضرورت‌ها در مورد کار و آمادگی حرکت‌های متشـــکّل و منسجم، از نظر فرهنگ اسلامی نیـــز ما به جمع و حرکت‌هـــای جمعی بیش از حرکت فردی توجه داریم. اینکه در اســـلام به برگزاری کنگره جهانی حج به‌عنوان فریضه در هر ســـال تأکید شـــده اســـت، یا سفارش شده هفته‌ای یک‌بار نماز جمعه برگزار شـــود و حتی ســـفارش آیات و روایات در عبادت‌هایی مانند نماز، توصیه أکید بر جماعت اســـت، مبین این مطلب اســـت که اسلام به حرکت‌های جمعی و متشکل توجه ویژه دارد.

در زمـــان آن فـــراری نگون‌بخت (محمدرضا پهلوی) شـــعاری به این مضمـــون مطرح و القاء می‌کردند که «ما تابع قرآنیم، ما حزب نمی‌خواهیم»! این شـــعار از بی‌ســـوادی او سرچشـــمه می‌گرفت؛ چراکه شـــخص تابـــع قرآن، خود را در حزب‌الله متشـــکل می‌بینـــد. لغت حزب و حزب‌الله به معنای یک جمع اســـت؛ بنابراین مســـلم اســـت که با ناس و امت به معنای مردم باید تفاوت داشته باشد؛ شـــرح این رشته مفصل است، ولی اینجا مقصود شرح تحزب اسلامی به معنای نه شـــرقی و نه غربی آن اســـت که ایـــن معیار را انقلاب اســـلامی مطرح کرد. اگر می‌بینیم در قرآن بحث از حزب‌الله اســـت، یا شهدای ارجمندی مانند شهید بهشتی و باهنر و حجت‌الاســـلام خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی و بسیاری از اسلام‌شناسان ما بر تحزب اصرار دارند، باید بدانیم این تحزب چه نوع تحزبی اســـت. این تحزب شرقی نیست، غربی هم نیست. نمونه‌های فراوانی از احزاب در تاریخ گذشـــته ایران حضور دارند که از احزابی الگو گرفته‌اند که مســـتقیم در فرهنگ غرب رشـــد کرده‌اند و کاربرد آنها حفظ نظام حاکم بر غرب است؛ مبنای پیدایش این احزاب در غرب براســـاس ماهیت اســـت نه بر اســـاس معنویت؛ نهایت تلاش این احزاب، ایجاد رفاه و سعادت مادی مردم کشورشان براساس باورها و فرهنگ غرب است؛ مقصود غربی‌ها از تشکیل حزب، مبارزه انتخاباتی و دستیابی به پست و موقعیت و مقام است؛ بسیاری

از احزاب در ایران نیز همین‌گونه‌اند؛ چون از احزاب غربی الگو گرفته‌اند و براساس فرهنگ غرب و حزب غربی شـــکل گرفته‌اند؛ هرچند ممکن است مؤسسین آن‌ها مسلمان باشند، یا بخواهند از طریق این تحزب اسلام را یاری دهند.

شـــبکه‌بندی و شـــیوه مبارزات احزاب ایرانی آن دوران، تقلیدی از احزاب غربی اســـت؛ یعنی اگر همه ذکر و بحث احزاب غربی، بر مبنای دموکراســـی غربی و آزادی اســـت، این‌ها نیز اصل حرکت خود را بر مبنای آزادی و استبداد قرار داده‌اند. نمونه حکومت مطلوب آنها یک حکومت مشروطه غربی است؛ وقتی مشروطه در ایران پیروز شد علی‌رغم اینکه رهبری نهضت مشروطه با علما بود و گروه‌های مذهبی و متدین برای پایه‌گذاری این نهضت از همین مکان «سرچشمه» تا مجلس ســـابق به خاک و خون غلتیدند، ولی این احزاب تلاش کردند یک حکومت برمبنای انگلستان در ایران روی کار بیاورند! چون رهبری سیاسی و حزبی آن‌ها به‌دست عناصر غرب‌زده بود؛ شیوه مبارزه آن‌ها، پارلمانی و شعارهایشان آزادی غربی بود، نه آزادی اسلامی!

اصولاً آزادی و دمکراســـی موجود در فرهنگ غرب، با آزادی مکتب اســـلام، از زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ آزادی غربی به‌قول شهید بهشتی بیشتر آزادی هرج ومرج و بی‌بندوباری است؛ این غیر از آن آزادی اســـت که امام ما حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در ظهر عاشورا می‌فرمایند: اگر دین ندارید «... فَكُونُوا اَحْراراً فِي دُنْياكُمْ »[1] لااقل آزاده باشید! این حریتِ اسلامی است، حریت غربی نیست. این‌که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «و لا تَكُن عَبدَ غَيرِكَ و قد جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً»[2] حریت و آزادی در بیان علی علیه‌السلام آن آزادی غربی نیست. این یک آزادی اوج یافته و در حد اعلاء است که انسان را از حضیض ذلت به اوج عزت و معنویت می‌رساند.

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۵۱.
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱.



در آغاز انقلاب، حضـــرت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) می‌فرمودند: «من برای حکومت اسلامی قیام کردم و ملت و امت ما به خاطر اسلام جان داده اســـت و ما را چه کار به آن قانون غرب‌زده مشـــروطه». شـــاه در رفراندوم قلابی بهمن سال ۴۱، به دروغ شعار اصلاح می‌داد، ولی هدف از بین بردن اســـلام بود؛ وقتی امام و ایـــن امت فریاد می‌زدند که این رفراندوم قلابی و مخالف اسلام است، بعضی می‌گفتند اصلاحات آری! دیکتاتوری نه! در طول این مدت همیشـــه بحث بر سر آزادی داشتند، ولـــی مبارزه آنها مبارزه‌ای نبود که فراتـــر از حد مبارزات در چارچوب قانون باشـــد؛ تاریخ را از آغاز نهضت آزادی غربی و مشـــروطه در ایران شـــروع می‌کردند و معیار ارزشـــیابی افراد برای آن‌ها طرفدار مشروطه بـــودن یا نبودن بود؛ ازاین‌رو حیدر عموقلی خائن کافر و کمونیســـت، برایشـــان یک آزادی‌خواه به‌حساب می‌آمد و برای او ارزش قائل بودند، ولی مرحوم شـــیخ فضل‌الله نوری را طرفدار استبداد معرفی می‌کردند و جایگاه و ارزشـــی برای وی قائل نبودنـــد. این نوع تفکر که از احزاب غربی الگو گرفته بود کار را به‌جایی رســـانده بود که وقتی در سال ۵۷ ملت می‌خواست با یک انقلاب مردمی، ننگ رژیم دو هزار و پانصدساله شاهنشـــاهی را پاک کند، می‌گفتند: براساس قانون اسلامی مشروطه، شاه باید سلطنت کند نه حکومت و شما نباید بر خلاف قانون مشروطه عمل کنید.

در مقابل این احزاب غربی، حزب‌هایی با تفکر شرقی در کشورها پدید

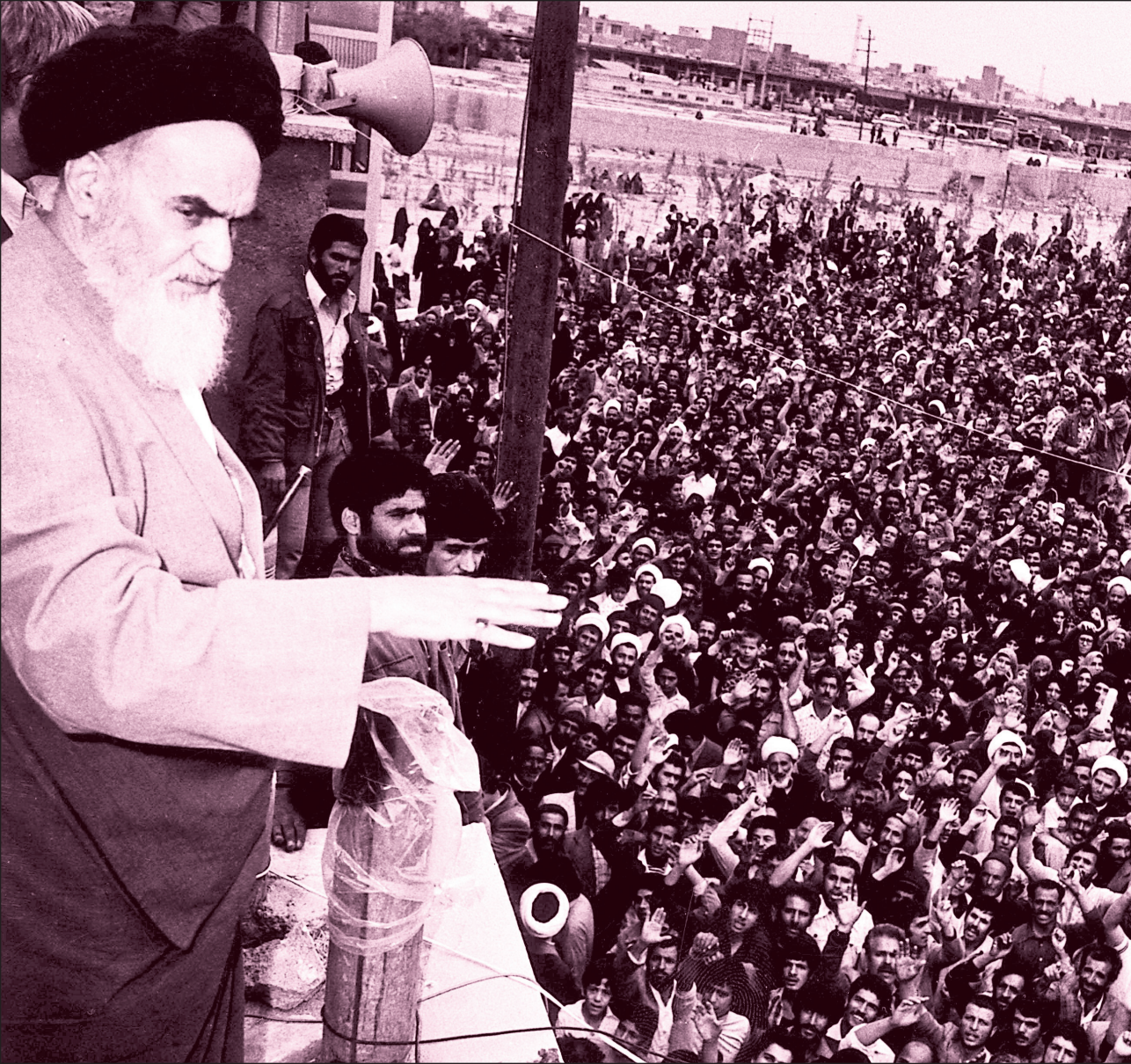

آمد که الگوی آن‌ها سازمان‌ها و احزاب کمونیستی بود احزاب و تشکیلاتی که از احزاب شرقی الگو گرفته بودند، به‌سوی یک حرکت کفرآمیز حرکت کردند که سازمان منافقین نمونه بارز این احزاب است؛ شیوه مبارزه این‌ها نیز برگرفته از احزاب شرقی، مسلحانه بود و بر این باور بودند که تنها راه رهایی، جنگ مسلحانه است. درست است که حزب مؤتلفه اسلامی نیز جهاد مسلحانه را قبول داشت و اولین جناح مسلح را با اجازه امام و به کمک شهیدان حاج مهدی عراقی، حاج صادق امانی و سید علی اندرزگو و اینگونه یاران بنا گذاشت، ولی در تفکر مؤتلفه تنها راه رهایی، جنگ مسلحانه نبود.

احزاب شرقی حتی در اصطلاحات سیاسی مانند مرتجع، مترقی، پیشتاز، امپریالیزم و سایر مسائل بورژوا و خورده بورژوایی از شرق الگو گرفته بودند که این اصطلاحات در فرهنگ اسلامی جایی ندارد. شبکه‌بندی این احزاب، براساس تفکر بلوک شرق، به‌دنبال حفظ نظام دیکتاتوری کمونیستی بود؛ احزاب کمونیستی برای برقراری پرولتاریا[1] بود، درحالی که در واقعیت این‌طور نبود، بلکه برای حاکمیت دیکتاتوری یک گروه محدودی بود؛ این دیکتاتوری در همه کشورهای بلوک شرق به شدیدترین وجه لمس می‌شد.

این احزاب، شبکه‌بندی را برای حفظ دیکتاتوری درون‌گروهی می‌خواهند؛ با مراجعه به تاریخ این شبکه‌بندی‌ها، حاکمیت دیکتاتوری شدید درون آنها کاملاً محسوس است؛ هر جایی که سلطه پیدا کرده‌اند دیکتاتوری شدیدی در محیط و جامعه پدید آورده‌اند؛ با این شبکه‌بندی‌ها، سازمان‌گرایی، سازمان‌باوری، تشکل‌محوری و تعصبات خشک را به تشکل می‌آموزند؛ این نوع احزاب و تشکل‌ها، افراد گروه را، انتخاب‌کننده و آزاد پرورش نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها را به‌عنوان یک ابزار بدون اراده و موجودی سحرشده تربیت می‌کنند؛ شیوه تبلیغاتی و آموزش‌های این‌ها

۱. طبقه کارگر، طبقه‌ای که تنها با فروش نیروی کارش امور معاش خود را می‌گذراند.

به‌گونه‌ای است که فرد را از خود بی‌خود می‌کند و به‌صورت یک ابزار بدون اراده شکل می‌دهد. به‌همین علت عناصری که وارد سازمان منافقین می‌شوند هیچ استدلالی بر آنها مؤثر نیست؛ کر و کور و نابینا و ناشنوا هستند؛ به دورغ ادعا می‌کردند که جمهوری اسلامی نوجوان دوازده‌ساله را اعدام کرده است و این عمل را تقبیح می‌کردند؛ ولی همین افراد خودرویی را به‌همراه یک کودک سه‌ساله آتش می‌زدند! داخل خانه‌ها بمب می‌انداختند و تمام اهل خانه را (پیرمرد، پیرزن، کودک بی‌گناه) منفجر می‌کردند؛ دانش‌آموز را در راه مدرسه تکه‌پاره می‌کردنند؛ اگر شعور انسانی و وجدان این افراد آزاد بود، هرگز به چنین جنایت‌هایی دست نمی‌زدند. حتی اگر حداقل می‌توانستند آن مسئله‌ای که سازمان‌شان برایش تبلیغ می‌کند بفهمند، به چنین جنایاتی دست نمی‌زدند؛ بعضی از گذشتگان این سازمان وقتی قرار بود جایی را منفجر کنند، برای اینکه کسی کشته نشود خودشان گیر می‌افتادند؛ این درحالی است که اینها مدعی‌اند راه گذشتگان را ادامه می‌دهند، ولی در یک شب در این مکان ۷۲ نفر انسان را شهید می‌کنند.

این جانی بالفطره[1] در آن شب با اصرار فراوان، افراد را به داخل سالن دعوت می‌کرد؛ شهید بالاگر کسی بود که فقط جلسه را ضبط می‌کرد. اینها با شهید بهشتی مخالف بودند، ولی با این بی‌گناهان چه خصومتی داشتند؟!

این نوع شبکه‌بندی‌های شرقی یکی از عواملی بود که افراد را بدین‌گونه پرورش می‌داد. اگر تحزب با مفهوم غربی و شرقی آن در بین ما رواج یابد، فاجعه بزرگی است؛ آیا بهشتی‌ها و یارانش چنین تشکیلاتی می‌خواستند؟ هرگز چنین تشکیلاتی نمی‌خواستند؛ تشکیلاتی که اسلام می‌خواهد بر مبنای معنویت است؛ همه چیز آن از «الله» آغاز می‌شود و به الله ختم می‌گردد؛ همه کارها با «بسم‌الله» شروع می‌شود؛ مسیر «سبیل‌الله» را می‌پیماید؛ جهتش

۱. بمب‌گذار.

«الی‌الله» اســـت؛ برنامه‌اش «ما أنزل الله» است؛ هدفش «لقاءالله» است؛ انگیزه‌اش «رضوان الله» است؛ در تمام مراحل می‌کوشد عناصری که در این تحزّب جمع‌اند عبدالله، خلیفةالله، انصارالله و مهاجر الی‌الله باشند. چنین تشکیلاتی مورد توجه اسلام است؛ این نوع تشکیلات برای ما قابل تقلید از غرب و شرق نیست. این تشکیلات را نمی‌توان از کتاب‌های دانشمندان غربی یا شرقی درآورد. باید برگردیم به قرآن کریم و ویژگی‌های عناصر حزب‌الله در کلام خداوند جستجو کنیم. این‌ها که خداوند می‌فرماید: «... يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ...»[1] «... رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ...»[2] چه کسانی هســـتند؟ تشکلی که می‌خواهد اینگونه عناصر را دربربگیرد چه نوع شبکه‌بندی، چه نوع شیوه مبارزاتی، چه نوع توجیه و تبیین و چه اساسنامه و مرام‌نامه‌ای باید داشته باشد. برای شناخت چنین حزب و تشکلی باید زندگی و سیره پیامبر اکرمﷺ را مطالعه کرد؛ باید دید حضرت در مکه چه شـــبکه و تشکیلاتی دارد؛ در مدینه که حکومت اسلامی را حاکم کرده و شخص خودشان در رأس آن است، چه تشکیلاتی دارد؟

اگر ما تشکیلات می‌خواهیم باید ببینیم ائمه اطهارؑ در شرایط مختلف چه نوع شبکه‌بندی و تشکیلاتی دارند؛ امام کاظمؑ شبکه‌بندی بسیار مهمی دارد. شبکه‌بندی قوی امام صادقؑ در ســـه سال آخر خلافت اموی و بعد دوران انتقال خلافت از بنی‌امیه به بنی‌عباس با شبکه‌بندی دوران حکومت ســـفاح و منصـــور دوانقی خیلی با هم تفاوت دارد. این‌هـــا از بین احادیث و از تاریخ زندگی ائمه معصومین ما روشـــن و آشـــکار اســـت. این نوع تشـــکل است که بهشتی‌ها می‌خواهند و می‌خواســـتند پدید بیاورند؛ چنانچه بخواهیم ایران سراسر بهشتی شود باید این مفهوم تحزب و حزب اســـلامی، حزب، نه شـــرقی نه غربی را بشناســـیم و به آن عمل کنیم.

۱. سوره مائده، آیه ۵۴.
۲. سوره بینه، آیه ۸.

در این قسمت چند فراز از آخرین رهنمودهای تشکیلاتی شهید بهشتی را می‌خوانم که سه روز قبل از شهادت در مدرسه رفاه برای ما گفته بود:

«در آن روز ما همچنان بر داشتن یک تشکل پافشاری داریم و شرط آن تشکل آن است که:

۱. باید پاسدار ارزش‌ها باشد نه پاسدار خود؛ هر وقت این تشکّل به‌جای آنکه نگهبان ارزش‌ها باشد و تلاشگر در راه ارزش‌ها باشد و به‌جای آنکه خداپرست و حق‌پرست، حق‌خواه، کمال‌دوست و کمال‌خواه باشد، خودخواه شد، آن یک طاغوت می‌شود و چه بهتر که چنین طاغوتی بر سر راه امت نباشد.

۲. تشکل ما باید سازنده ما، آسان‌کننده خودسازی برای ما و کمک به سیر الی‌الله برای شرکت‌کنندگان در این تشکل باشد. هر وقت یکی از جمع ما به تشکلمان مشغول و سرگرم شدیم چنین تشکلی لهو می‌شود و باید از آن پرهیز کنیم.

۳. تشکل ما بایستی به درد مردم بخورد و باری از دوش مردم بردارد، نه اینکه یک باری باشد بر دوش این جامعه که در آن هنگام لغو می‌شود.»

پس از این، تشکیلات نه باید بت باشد، نه باید لهو باشد و نه نباید لغو باشد. این نوع تشکلی است که بهشتی می‌خواهد. این نوع تشکل است که در درون خود، دیکتاتوری درون تشکیلاتی، دیکتاتوری تحزب و تشکیلات در جامعه پدید نمی‌آورد؛ چون شهید بهشتی در دنباله همین رهنمود الهام‌گونه می‌گوید: «ما مؤسسین هرگز نمی‌خواستیم یک چنین چیزی به‌وجود بیاوریم مثل یک سربازخانه و یک اردوی کار اجباری؛ ما از اول گفته بودیم که امتیاز بزرگ اسلام این است که می‌خواهد با حفظ آزادی‌های انسان، انسان‌ها را بسازد تشکیلات ما آهنین نیست و آهنین نخواهد بود».

«تشکیلاتی است که انسان‌ها در درونش احساس حرکتی خودساز و آزاد می‌کنند و تشکیلاتی

که می‌کوشد تا انسان‌ها را هم‌سو کند نه اینکه انسان‌ها را غالبی بسازد».
آن تحزبی که بهشـــتی‌ها می‌خواهند، تحزب نه شـــرقی و نه غربی و فقط تحزب اسلام است، تحزبی است که آزادی‌آور است.
یادم نمی‌رود آن جمله بسیار گران‌بهای شهید بهشتی در فروردین ۵۸ در صحن مطهر حضرت معصومـــه‌ؑ که می‌گفت: «ای طلاب عزیز، اســـلامی که انقلاب ما را پیروز کرده‌اســـت، دنیا و آخرت برای همه ما می‌آورد؛ دینی است که «یَعْلُو وَ لَا یُعْلَی عَلَیْهِ»[1]، اما موظب باشید موقعی که می‌خواهید بروید این اسلام را عرضه بدارید توجه داشته باشید که «لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ»[2] و انســـان‌ها به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که می‌خواهند حتی آزادیشـــان را آزادانه به‌دست بیاورند؛ نکوشید بر آن‌ها، تحمیل کنید. این آزادی را آزادانه به‌دست آوردن، مسئله مهمی است».
امیدوارم که در این وقت کم توانســـته باشم گوشه‌ای از آن چیزی که بهشتی‌ها در یک تحزب اسلامی می‌خواستند تقدیم کنم.
روان همه‌شـــان شاد، خداوند به همه توفیق بدهد که بهشتی‌گونه بارِ سنگین رسالتی که خون این شهیدان بر دوش همه ما گذاشته سرفرازانه به پایان ببریم.
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

۱. «الْإِسْلَامُ یَعْلُو وَ لا یُعْلی عَلَیْهِ وَ الْکُفّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْقِ لا یَحْجُبُونَ وَ لا یَرِثُونَ»؛ من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۵۷۱۹؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۱؛ المحاسن، احمد بن ابی عبد الله برقی، ج ۱، ص ۱۱۳ نحوه؛ بحارالأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۶، ص ۷۰ نحوه؛
امام صادقؑ: الاسلام یعلو و لا یعلی علیه و الکفار بمنزلة الموق ، لا یحجبون و لا یرثون؛
ترجمه: اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد.
۲. سوره بقره، آیه ۲۵۶.



تشکل ما باید سازندهٔ ما، آسان‌کنندهٔ خودسازی برای ما و کمک به سِیر الی‌الله برای شرکت‌کنندگان دَر این تشکل باشد. هر وقت یکی از جمع ما به تشکلمان مشغول و سرگرم شدیم چنین تشکّلی لهو می‌شود و باید از آن پرهیز کنیم.
تشکل ما بایستی به درد مردم بخورد و باری از دوش مردم بردارد، نه اینکه یک باری باشد بر دوش این جامعه که در آن هنگام لغو می‌شود.
پس از این، تشکیلات
نه باید بت باشد، نه باید لهو باشد
و نه باید لغو باشد.

شهید آیت‌الله بهشتی رحمه‌الله

هر چه زمان می‌گذرد
تجمع اصحاب حق
را واجب‌تر و فوری‌تر احساس می‌کنم.

رهبر معظم انقلاب
در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور
۱۳۷۳/۰۴/۲۲

کونوا للظالم خصما وللمظلوم عونا

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرام هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...